

تحلیل نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان حقوقی دادگاه‌های انقلاب

فرنگیس عباس‌زاده^۱ بهمن گرجیان^۲ ✉
الخاص ویسی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تأثیر عوامل کلامی و سبکی گفتمان حقوقی در انحراف از نشانگرهای کلامی و سبکی در دادگاه‌های انقلاب با رویکرد مک منامین است. داده‌های تحقیق، حاصل ۱۵ جلسه ده دقیقه‌ای از دادگاه‌های انقلاب در ده سال اخیر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی منظم انتخاب گردید. داده‌ها به روش آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد و بسامد تغییر و انحراف از این نشانگرها با توجه به الگوهای گفتمانی دادگاه به سه دسته از هنجارهای تجویزی، توصیفی و آماری طبقه‌بندی شد. نتایج نشان داد که کاربرد نشانگرها نقشی تعیین‌کننده در جایگاه فردی و اجتماعی قاضی و متهم ایفا می‌کند. رعایت نکردن الگوهای گفتمانی توصیفی، تجویزی و آماری در متهمان بیشتر از قضاات بود و تفاوت معنی‌داری بین قضاات و متهمان در تغییر کلام معیار در هر سه الگوی گفتمانی وجود داشت، ولی در مقایسه با یکدیگر تفاوتی معنی‌دار در رعایت کلام معیار و انحراف از نشانگرهای کلامی و سبکی مشاهده نشد. انحراف از هنجارها در دو طرف مشاهده محسوسه نداشت. کاربرد این مطالعه از لحاظ زبان‌شناسی حقوقی به روند مؤثر فرایند دادرسی و تشخیص تأثیرگذاری کلام شرکت‌کنندگان در دادرسی کمک می‌کند. نیز یافته‌های این پژوهش در آموزش و تربیت قضاات، وکلا و نمایندگان دادستان نیز مفید است.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، الگوهای گفتمان، نشانگرها، سبک، کلام

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور اهواز، ایران.

۱- مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی^۱ شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی^۲ است که اخیراً جایگاه خود را در بررسی و تجزیه و تحلیل گفتمان حقوقی (قضایی)، اعم از نوشتاری، گفتاری و مؤلفه‌های غیرکلامی به‌عنوان یک ژانر^۳ بازنموده‌است. گفتمان در صورت گفتار، محتوای کلام، انتخاب گونه اجتماعی و چگونگی برجسته کردن اطلاعات در امر ارتباط مهم تلقی می‌شود. رفتار اجتماعی افراد به شرایط فرهنگی، پرورشی و اجتماعی بستگی دارد و همواره الگوی گفتار به‌طور منظم با حضور یک شخص جدید در مکالمه تغییر می‌کند (مک لافین، ۲۰۱۱: ۱۳۸۹). از نظر مک منامین^۴ (۱۱۵:۲۰۰۲)، الگوهای گفتمان در دادگاه از سه جهت: تجویزی، توصیفی و آماری در نظر گرفته می‌شوند. این الگوها سه نشانگر^۵ دارند که رعایت^۶، تغییر^۷ و انحراف از کلام معیار^۸ را نشان می‌دهند. از منظر الگوهای گفتمان مک منامین، مثلاً در جمله «به دادگاه حقیقت را بگوید»، از لحاظ الگوی تجویزی و رعایت سبک کلام معیار تلقی می‌گردد و از لحاظ الگوی آماری در دادگاه تا ۸۵ یا ۹۰ درصد در کلام قاضی ممکن است بسامد داشته باشد. این جمله اگر تغییر داده شود (حقیقتو بگو!) یا انحراف از کلام معیار داشته باشد (بنال!) در دو دسته نشانگرهای تغییر و انحراف از کلام معیار قرار می‌گیرد. در صورت تغییر جمله، سبک از لحاظ الگوی توصیفی غیررسمی^۹ است. در «بنال!» انحراف از الگوهای گفتمانی تجویزی تلقی می‌شود چون غیردستوری و فاقد کلام معیار در محیط دادگاه است و از سویی دیگر انتظار گفتن این واژه از قاضی درصدی پایین (زیر ۵ درصد) دارد.

زبان‌شناسی حقوقی به بررسی روابط کلام و حقوق می‌پردازد و اینکه زبان قانون چه زبانی است و چه ساختاری دارد. ضمناً کشف ساختار آوایی، واژی و معنایی کلام یا نوشتار و تعیین هویت نویسنده و گوینده گفتمان را به عهده دارد، کشف روابط به تشخیص هویت، کپی یا جعل و هرگونه اموری که به زبان مربوط می‌گردد. نشانگرهای کلامی و سبکی روابط بین فردی را تنظیم می‌کند و اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌داند. این هنجارها به معنی

1. Forensic linguistics
2. Applied Linguistics
3. Genre
4. McMenamin
5. Marker
6. Standard norm
7. Changes in standard norm
8. Deviation from the standard norm
9. Informal

کاربرد زبان در آداب و سنن اجتماعی، قوانین و مقررات اجتماعی، رسوم اخلاقی و اجتماعی به جهت ایجاد ارتباط کلامی مؤثر با افراد دیگر است (محسنی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۱). الگوهای رفتاری کلامی در محاکم قضایی بار معنایی بیشتری نسبت به محیط‌های زبانی دیگر دارد. این ناشی از مسائل حساس تفهیم اتهام، دفاع مشروع، قبول اتهام یا فرجام‌خواهی است. علم کلام در دادگاه‌ها می‌تواند سرنوشت فرد را تعیین کند و او را در جهت قبول یا رد اتهام سوق دهد. تأثیر نشانگرهای کلامی و سبکی در رعایت هنجارهای کلامی یا انحراف از این اصول موضوع این پژوهش است. موضوع این تحقیق شناسایی گفتمان قضات و متهمان در دادگاه از لحاظ رعایت الگوها و نشانگرهای زبانی از منظر مک‌منامین است و هدف تحقیق این است که کلام قضات و متهمان را از لحاظ رعایت، تغییر و انحراف از الگوهای تجویزی توصیفی و آماری بررسی کند. مقایسه‌ی بسامد این تغییرات و انحرافات می‌تواند ماهیت کاربردی کلام را در روند دادرسی در دادگاه‌های انقلاب نشان دهد.

۲- پیشینه تحقیق

زبان به‌عنوان دستورالعملی برای ساخت معنی، نوعی فرایند وابسته به کلام است. طی فرایندهای زبانی، ساختار زبان تغییر می‌کند. طرز تلقی فرد از کلام براساس تکنیک‌های زبانی یا ساختارهای دستوری و نحوی شکل می‌گیرد. ساختارهای زبانی باعث می‌شود نوعی گفتمان خاص شکل گیرد. زبان با فرارفتن از قواعد حاکم بر زبان هنجار برجسته می‌شود (یول، ۱۳۸۷: ۲۰). رعایت نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان دادگاه به‌مثابه قدرت عمل می‌کند که همه چیز را به خود جذب می‌کند. از نظر هایمز (۱۹۷۲: ۱۷) در گفتمان مؤثر، توانش ارتباطی^۱ شامل دانش اجتماعی، روان‌شناختی، فرهنگی و زبان‌شناختی می‌شود که بر کاربرد صحیح زبان در جامعه تأثیرگذار است و محدود به دستور زبان نمی‌شود. در این رویکرد گفتار به‌عنوان بخشی از تعاملات اجتماعی است که معنای آن با توجه به پیشینه و متغیرهای اجتماعی مثل سن یا موقعیت اجتماعی مشخص می‌شود. ویژگی‌های گروهی چون سن، جنسیت، محل جغرافیایی، طبقه اجتماعی، بافت و موقعیت ارتباطی، فاصله اجتماعی (تحصیل، درآمد، شغل) نژاد، قومیت و سبک (بافت اجتماعی) با عوامل غیرزبانی در ارتباط هستند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۵۲). مفهوم اصلی کلام معیار کاربرد زبانی این است که بتوانیم ساختار کاربرد و نحوه ادای کلام درست را از نادرست تشخیص دهیم. هنجار زبانی به‌طور کامل آموختنی و قابل یادگیری

1. Communicative competence

است، به این معنی که نشانگرهای کلامی و سبکی گفتمان معیار وجود داشته و الگوهای زبانی رعایت شده باشد (مدرسی، ۱۳۶۸).

محسنی و رضایی‌نژاد (۱۳۹۱) بر این باورند که حل و فصل اختلافات در نظام دادگستری تابع اصول و مقرراتی است که به‌عنوان آیین دادرسی شناخته می‌شود. پیشرفت فناوری بر عرصه‌های مختلف زندگی تأثیر نهاده، دادرسی و آیین آن در شرف تأثیرپذیری جدی از این نوآوری‌های فنی است. به نظر محسنی و رضایی‌نژاد (۱۳۹۱) مدیریت بهتر پرونده‌های قضایی با استفاده از تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات، اهداف و دستاوردهای اعلام‌شده آن را می‌توان در چند بخش؛ مانند افزایش کیفیت دادرسی، افزایش سرعت دادرسی، ارتقای توان ارزیابی و نظارت قضایی، ارائه خدمات الکترونیک به مردم، اصلاح نظام آماري قوه قضاییه و ایجاد زمینه برنامه‌ریزی و پژوهش خلاصه نمود. زبان‌شناسی حقوقی یکی از این شاخه‌های پژوهشی است که در کنار فناوری و تحقیق می‌تواند کمک بزرگی به کشف هویت نوشتاری و گفتاری یا تأثیرگذاری بیشتر گفتمان در روند فرایند دادگاه داشته باشد.

مظنون در یک نگاه جامعه‌شناسانه فردی است که گمان می‌رود هنجارهای اجتماعی را زیر پا گذاشته و به حقوق دیگران تعرض کرده‌است، اما حق دارد بداند در مرحله تعقیب چه حقوقی دارد و باید به او اطمینان داد که حقوقش در نظام قضایی رعایت می‌شود. درواقع، هدف از آیین دادرسی کیفری، لازمه یافتن حقیقت و تضمین حقوق دفاعی فرد در این مرحله است. از نظر نوروزی (۱۳۸۶)، متهم کردن و تفهیم اتهام یکی از موضوعات مهم آیین دادرسی کیفری است و رعایت قواعد مربوط به آن نشان‌دهنده میزان اهمیت حقوق و آزادی‌های شهروندی در نظام دادرسی است.

یکی از فرایندهای قانونی در کشف حقیقت بازجویی است. بازجویی به جمع‌آوری و اخذ اطلاعات صحیح و قابل اعتماد از راه سؤال کردن و قدرت ارزیابی اطلاعات کسب‌شده، جدا کردن و تشخیص حقیقت از دروغ گفته می‌شود. درواقع، بازجویی عبارت از هنر و فن طرح سؤالات کتبی و قانونی از طرفین دعوی، شهود و مطلعان واقعه، با هدف اخذ اطلاعات صحیح در خصوص وقایع کیفری برای تکمیل دلایل پرونده است. مشخصه‌های کلامی و سبکی در مقوله بازجویی با ساختارهای نحوی، واژگانی، آوایی و معنایی در ارتباط است و به ارزیابی و تحلیل کلام متهمان کمک می‌کند. این مشخصه‌ها در افراد منحصربه‌فرد است، لذا در شناسایی متهم از میان مظنونین بسیار مؤثر است. دستگاه‌های کامپیوتری نظیر صوت‌نگار،

اسکن، پرینتر، اپلیکیشن‌های موبایل، سیستم‌های پیامکی تصویری و صوتی، اسکایپ، وایبر، واتس‌آپ و سایر شیوه‌های ارتباطی در ضبط مکالمات و نوشتارها بسیار اهمیت دارد. بنابراین ضرورت دارد که زبان‌شناس حقوقی از این فناوری‌های جدید مطلع باشد.

هارگی و دیکسون^۱ (۲۰۰۴) معتقدند که در مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب و نابسامانی‌های اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آنها، گفتار می‌تواند از بروز بیشتر جرم و جنایت جلوگیری کند. اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی و آسیب رفتاری پدید می‌آید، شخص از هنجارهای مقبول اجتماعی دور می‌گردد، پایبند نبودن به هنجارهای اجتماعی موجب آسیب اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می‌گردد.

گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی و مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (فرکلاف^۲، ۱۳۷۹: ۹). به نظر یول (۱۳۸۷: ۸۳) برای کلام معیار می‌بایست اصول کلی شامل باتدبیر بودن، باگذشت بودن، باحیا بودن و حس همدردی با دیگران شناسایی شوند. گزینش‌های زبانی و صورت‌های زبانی بستگی به روابط قدرت، فاصله اجتماعی و گستاخی یا مؤدب بودن افراد دارد که خود متأثر از مقام و موقعیت گوینده نسبت به شنونده و مخاطب دارد.

از منظر هایمز^۳ (۱۹۷۲: ۵۴)، جامعه‌گفتاری^۴ جامعه‌ای است که برای رفتار و تفسیر گفتار و حداقل یک گونه زبانی قوانین مشترک دارد. وی ارتباط کلامی را فرایندی می‌داند که برمبنای دانش ناخودآگاه فرهنگ گویشوران و توانایی برقراری و ارزیابی تعاملات گفتاری ساخته می‌شود. در قوم‌نگاری ارتباط، فرهنگ می‌تواند هم شناختی (آنچه شناخته شده است) باشد و هم اجتماعی (عناصر اجتماعی و فرهنگی که برای انجام رویدادهای ارتباطی موفق با یکدیگر تلفیق می‌شوند). پیشنهاد لرا (۱۹۷۶) این است که هنجار یک مدل است که کاربرد آن اجباری

1. Hargie & Dickson
2. Fairclough
3. Hymes
4. Community

است و بر جامعه زبانی تحمیل می‌شود. مک منامین (۲۰۰۲) بر این باور است که فاصله اجتماعی یا جغرافیایی باعث شکل‌گیری جوامع خرد یا کلان می‌شود و تا گروه هست الگوی گفتمان نیز وجود دارد.

حاتمی و حاتمی (۱۳۹۱) با تأکید بر تأثیر علم و فناوری بر نظام مفهومی از جمله مفهوم خود و هویت در دادرسی و گفتمان حقوقی به این مقوله می‌پردازند که بر اثر گسترش فضای مجازی و پیشرفت در نسل‌های جدید ارتباطات، اشکال جدیدی از روابط و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و مرزهای هویت فردی و جمعی از بین می‌رود و حتی هویت‌های متفاوتی در فضای مجازی تولید و باز تولید می‌شود. محسنی (۱۳۸۰) درباره رابطه متقابل فناوری و تغییرات اجتماعی معتقد است که تکنولوژی همیشه اولین عامل تغییر اجتماعی است و از آنجاکه تکنولوژی به سرعت متحول می‌شود و تغییر در نهادهای اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد، تأخر فرهنگی که نوعی فاصله میان نظام‌های جامعه است پدید خواهد آمد.

از نظر مؤمنی (۱۳۸۹)، گاهی شواهد را شاهد عینی ارائه می‌دهد، یعنی هیأت منصفه و قاضی گفته‌های او را ارزیابی می‌کنند، بنابراین، آنچه شاهد بیان می‌کند صرف نظر از صدق یا کذب بودن دارای ویژگی‌های زبانی است که به لحاظ کمی و کیفی قابلیت بررسی دارد. هنگامی که فردی به‌عنوان شاهد یا متهم وارد دادگاه، دادرسی یا اداره پلیس می‌شود، به دنبال آن است که نتیجه دلخواه را به دست آورد یا به عبارتی آنچه می‌گوید تأثیرگذار باشد.

۳- چارچوب نظری

این تحقیق گفتمان حقوقی قضات و متهمان را به لحاظ انحراف از الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی بررسی می‌کند و در پی کشف بسامد تغییر یا انحراف در کلام معیار در گفتمان قضات و متهمان در دادگاه‌های انقلاب است. در ارایه چارچوب نظری این پژوهش، از الگوی زبانی مک منامین (۲۰۰۲: ۳۵۰) استفاده شده است. وی سه نمونه الگوی گفتمان؛ تجویزی، توصیفی و آماری را با سه نشانگر؛ کلام معیار، تغییر در کلام معیار و انحراف از کلام معیار، با ذکر مثال معرفی کرده است. هر کدام از این الگوهای گفتمان زیر شاخه‌های مربوط به خود را دارند. برای مثال، جمله «در حال نوشیدن آب هستم.» از لحاظ الگوی گفتمان تجویزی کلام معیار را رعایت کرده، ولی «دارم آب می‌نوشم.» تغییر در ساخت دستوری داده زیرا فاعل حذف و فعل با شناسه فاعلی «م» ادغام شده است. از سوی دیگر،

در نشانگر کلام معیار برای آب از فعل نوشیدن به جای خوردن استفاده می‌شود. در نشانگر انحراف از کلام معیار جمله «می‌خورم آب!» به لحاظ دستوری و محل قرار گرفتن مفعول دارای انحراف ساختاری است و بسامد بسیار کمی در گفتمان زبان فارسی دارد. برای روشن شدن بیشتر، در جدول ۱ این مثال‌ها به معادل‌های فارسی ترجمه شده‌است.

جدول ۱- الگوی‌های گفتمانی در زبان انگلیسی و معادل آن در زبان فارسی (مک منامین، ۲۰۰۲)

Types of Norm (نوع معیار)	The Norm (نشانگر کلام معیار)	Variation within the Norm (نشانگر تغییر در کلام معیار)	Deviation from the Norm (نشانگر انحراف از کلام معیار)
1. Prescriptive Norm (الگوی تجویزی گفتمان)			
A. Grammatically Correct (صحیح به لحاظ دستوری)	I am drinking water now. در حال نوشیدن آب (هستم).	I'm drinking water now. (دارم آب می‌خورم!)	I be drinkin' now. (می‌خورم آب!!)
B. Socially Appropriate (قابل قبول به لحاظ اجتماعی)	Could you pass the salt, please? (می‌توانم خواهش کنم آن نمک را بدهید.)	Can you pass the salt? (میشه نمک را دید؟)	Pass the salt! (نمک بده!!)
2. Descriptive Norm (الگوی توصیفی گفتمان)			
English Dialect (گویش انگلیسی)	I am Ali. (من علی هستم.)	I'm Ali. (من علیم.)	Ali is me! (علیم!)
B. Choice of Variety: Teenage (تنوع زبانی نوجوانان)	It is delicious. (این خوشمزه است!)	Delicious! (خوشمزه‌س!)	Yummy! (چسبید!)
C. Class: teenage (طبقه: نوجوان)	I am hungry. (من گرسنه هستم.)	I'm starving. (گرسم!)	Belly is empty! (گشتمه!)
D. Regional: U.S. dialects (منطقه ای: گویش‌های آمریکایی)	She is cute. (او زیبا است.)	She's beautiful. (او خوشگل!)	"She's cute!" (او خوشگل!)
E. Situational: Places (موقعیتی: مکان‌ها)	"Where is the bank?" (بانک کجا قرار دارد؟)	"Where's the bank?" (بانک کجاس؟)	"Where the bank?" (بانک کو؟)
3. Quantitative Norm (الگوی آماری گفتمان)			
How often forms are used? (بسامد صورتهای دستوری معیار)	You, my friends. (e.g., 10%) (شما دوستان.)	You, guys! (e.g., 80%) (هی بچه‌ها!)	Folks! (e.g., 10%) (رققا!)

جدول ۱ چارچوب نظری پژوهش را نشان می‌دهد و مثال‌های ارائه شده به زبان فارسی و انگلیسی ابعاد الگوهای گفتمان و نشانگرهای آنها را در سه مقوله الگوهای گفتمانی تجویزی، توصیفی و آماری و سه نشانگر رعایت کلام معیار، تغییر در کلام معیار و انحراف از کلام معیار نمایش می‌دهد. مثال‌ها را نگارندگان مقاله ترجمه کرده‌اند تا در زبان فارسی بتوان از این مدل گفتمانی استفاده کرد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱- تا چه میزان بسامد نشانگرهای رعایت کلام معیار، تغییر در کلام معیار و انحراف از کلام معیار در الگوهای گفتمانی تجویزی، توصیفی و آماری بین قضات و متهمان تفاوت دارد؟

۲- آیا میزان استفاده از نشانگرهای توصیفی کلامی و سبکی در اعمال قدرت بین قضات و متهمان تفاوت دارد؟

برای بررسی عوامل کلامی گفتمان حقوقی قضات و متهمان و دلایل انحراف از کلام معیار در الگوهای گفتمانی، این فرضیه‌ها مطرح می‌گردند:

- (الف) در گفتمان قاضی و متهم، بسامد انحراف از هنجارهای زبانی از لحاظ آماری، تجویزی و توصیفی متفاوت نیست.
- (ب) هویت قضات و متهمان از لحاظ مؤلفه‌های کاربردی زبان و قدرت یکسان نیست.

۴- روش پژوهش

۴-۱- داده‌ها

نوع تحقیق حاضر کاربردی و روش تحقیق تحلیلی-توصیفی است و داده‌های جامعه آماری ۴۵ جلسه از دادگاه‌های انقلاب است که صدا و سیما در دادگاه‌های علنی ضبط کرده‌است. ۱۵ جلسه ۱۰ دقیقه‌ای از میان فیلم‌های جلسات دادگاه به صورت نمونه‌گیری تصادفی منظم انتخاب و نوشته شد؛ دادگاه‌هایی نظیر دادگاه اکبر طبری (معاون اجرایی سابق حوزه ریاست قوه قضاییه به جرم دریافت رشوه)، فاضل خداداد (مجرم اقتصادی و اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان)، غلامحسین کرباسچی (شهردار سابق تهران به جرم اختلاس)، بابک زنجانی (اختلاس) و ... برای روایی در شناسایی و تحلیل انواع الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی جملات قضات و متهمان، دو زبان‌شناس جملات را با فایل تصویری و با روایی ۹۵ درصد مطابقت نمودند. بر طریقه پیاده‌سازی و شناسایی الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی در جملات توافق شد. از بین قضات ۲۲۳۰ و از بین متهمان ۲۲۷۰ جمله تحلیل گردید. سپس بسامد داده‌ها در جدول ۲ براساس الگوی گفتمان مک منامین (۲۰۰۲) دسته‌بندی شد.

۵- یافته‌ها

بسامد داده‌های تحقیق در الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی متهمان و قضات شمارش شد. جمع کل معیارها به صورت درصد در سه نشانگر رعایت کلام معیار، تغییر در کلام معیار و انحراف از کلام معیار در جداول ۲ و ۳ نمایش داده شده‌است.

جدول ۲- بسامد داده‌ها در الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی متهمان

نوع معیار	کلام معیار	تغییر در کلام معیار	انحراف از کلام معیار
۱- الگوی تجویزی			
الف- هنجار دستوری (ساختاری)	۳۰	۶۷	۱۶
ب- معیار قابل قبول به لحاظ اجتماعی	۱۵	۹۵	۲۲
۲- الگوی توصیفی (سبک)			
الف- پرستیژ	۱۲	۳۵	۱۴
ب- گونه زبانی	۱۵	۴۷	۱۱
پ- طبقه اجتماعی	۳۱	۶۵	۱۷
ت- گویش منطقه‌ای (تهرانی)	۱۹	۷۱	۲۰
ث- بافت موقعیتی- در محل کار (دادگاه)	۲۱	۵۲	۱۸
۳- الگوی آماری (درصد)			
بسامد وقوع در بافت خاص (معیار)	٪۸۵	٪۱۰	٪۵
جمع کل معیارها ۶۹۳	۱۴۳	۴۳۲	۱۱۸
درصد ۱۰۰	۲۰/۶۴	۶۲/۳۴	۱۷/۰۲

جدول ۳- بسامد داده‌ها در الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی قضات

نوع معیار	کلام معیار	تغییر در کلام معیار	انحراف از کلام معیار
۱- الگوی تجویزی			
الف- هنجار دستوری (ساختاری)	۷۵	۲۱	۸
ب- معیار قابل قبول به لحاظ اجتماعی	۱۰۵	۱۲	۱۳
۲- الگوی توصیفی (سبک)			
الف- پرستیژ	۴۵	۲۳	۱۰
ب- گونه زبانی	۳۶	۱۶	۸
پ- طبقه اجتماعی	۸۱	۲۵	۱۲
ت- گویش منطقه‌ای (تهرانی)	۲۳	۱۵	۹
ث- بافت موقعیتی- در محل کار (دادگاه)	۵۰	۱۷	۴
۳- الگوی آماری (درصد)			
بسامد وقوع در بافت خاص (معیار)	٪۸۵	٪۱۰	٪۵
جمع کل معیارها ۶۰۸	۴۱۵	۱۲۹	۶۴
درصد ۱۰۰	۶۸/۲۶	۲۱/۲۲	۱۰/۵۲

جدول‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد بسامد داده‌ها در الگوهای گفتمان و نشانگرهای کلامی و سبکی متهمان و قضات به صورت معنی‌داری متفاوت است. در گفتمان قضات نوع جملات با توجه به بافت موقعیتی دادگاه بیشتر با کلام معیار در بافت موقعیت دادگاه نزدیک است (۹۸/۲۶٪)، در حالی که در متهمان بسیار کمتر (۲۱/۲۲٪) است. در تغییر از کلام معیار قضات بسامد کمتری (۲۱/۲۲٪) از متهمان (۶۲/۳۴٪) داشتند. در مقایسه انحراف از کلام معیار قضات بسامد کمتری (۱۰/۵۲٪) از متهمان (۱۷/۰۲٪) داشتند.

۶- نتیجه‌گیری

در گفتمان قضات، نوع جملات کاربردی اشاره به موقعیت اجتماعی وی و تعلق ایشان به طبقه اجتماعی بالا و نیز توجه وی به بافت موقعیتی و محیط دادگاه دارد. در واقع، هنجار توصیفی در گفتمان آنها نسبت به الگوی گفتمان تجویزی کاربرد بیشتری دارد. بسامد وقوع الگوی توصیفی از سبک قابل قبول به لحاظ اجتماعی بسیار استفاده شده است. هر چند متهمان تلاش داشته‌اند با کاربرد زبان معیار یا نزدیک به آن موقعیت اجتماعی خود را حفظ کنند. در مورد گویش محلی باید گفت تفاوت زیادی بین قضات و متهمان وجود ندارد زیرا دادگاه‌های انقلاب در تهران بودند و در دادگاه به گویش معیار سخن گفته شده است. به نمونه‌ای از دادگاه اکبر طبری که به جرم اختلاس و رشوه محاکمه شد اشاره می‌شود:

قاضی: جلسه دادگاه علنی است. رویه دادگاه این است که اول اظهارات متهم استماع بشه، (تغییر در الگوی تجویزی، فعل بشه به جای بشود آمده است) شما دفاع می‌فرمایید و وکیل شما در پایان دفاع ایشان را هم می‌شنویم (رعایت کلام معیار). یکی از اتهامات شما دریافت رشوه از آقای حسن نجفی است (رعایت کلام معیار). در خصوص دریافت رشوه از آقای حسن نجفی توضیح بدهید برای دادگاه (انحراف از الگوی تجویزی، فعل و متمم در جمله درست به کار نرفته است). دریافت ۸۴ میلیارد ریال از بابت چه بوده؟ (تغییر در کلام معیار).

متهم: آقای رئیس، همان‌طور که گفتم ادامه دفاعیات من را وکیل من انجام خواهد داد.

قاضی: برای بیان آخرین دفاعیات در جایگاه قرار بگیرند (انحراف از الگوی تجویزی و

حذف فاعل).

متهم: بنده هیچ‌کدام از این اتهامات را به هیچ عنوان قبول نداشته و ندارم (رعایت کلام معیار). گرچه روابط دوستی و خانوادگی ما با آقای نجفی به ۳۵ سال قبل یعنی به دوران قبل از ورود این‌جانب به قوه قضاییه برمی‌گردد (رعایت کلام معیار).

در جایی دیگر قاضی سؤال می‌کند چرا آقای فلان به شما آپارتمان چندمیلیاردی داد؟ آقای طبری اعلام می‌کند که این آقا دوست داشته به من داده. شما دوست ندارید؟ (انحراف در سبک از لحاظ قدرت زیرا متهم در مقامی نیست که از قاضی سؤال کند ولی بالعکس امکان دارد) من چکار کنم، دوستی است دیگر (انحراف در الگوی توصیفی و استفاده از پرستیژ). اینجا متهم خود را با قاضی مقایسه و با قدرت بیان می‌کند که من دوستانی دارم که کل لواسان را بگم به نامم می‌کنن (الگوی تجویزی در تغییر از معیار کلام) و بیان قدرت با پشتگرمی دوستان خود را نشان می‌دهد. این قدرت در مقابل قاضی کاملا کم‌رنگ می‌شود وقتی قاضی چیزی نمی‌گوید ولی ریشخندی طعنه‌آمیز می‌زند و فقط می‌گوید: چرا (انحراف از کلام معیار در الگوی تجویزی) کلمه‌ای را به جای جمله سؤال می‌آورد. در کلام اکثر متهمان دادگاه‌های انقلاب این امر به چشم می‌خورد زیرا هنوز خود را در مقام قدرت می‌بینند و اعتقاد دارند که با پول، رشوه، رانت و غیره می‌توانند خود را برهانند.

گفتمان نوعی قدرت اجتماعی است که برای کسب هویت صورت می‌پذیرد و هر شخص طبق جایگاه قدرتمند خود و براساس روابط سلسله‌مراتبی به این مهم دست پیدا می‌کند. افراد قدرتمندی همچون قاضی بهتر از دیگر افراد در محاکم گفتمان و مکالمه را در دست می‌گیرند و از ابزارهای زبان‌شناختی خاص برای کنترل و تأثیرگذاری بر مخاطب استفاده می‌کنند. مشخص گردید که قضات از زبان رسمی و استاندارد استفاده بیشتری دارند زیرا به آنها پرستیژ خاصی می‌دهد و آنها را در طبقه و جایگاه بالایی حفظ می‌کند.

سطوح ارتباطی گویشوران در دادگاه شامل ارتباط درون فردی، ارتباط بین فردی و ارتباط عمومی است. پیام‌ها براساس تجارب ذهنی رمزگردانی و رمزگشایی می‌شوند. ما از طریق سه کانال اصلی کلامی، نوشتاری و غیرکلامی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم. در ارتباط مستقیم گوینده و شنونده فرصت تصحیح یکدیگر را دارند. ارتباط آنها عمیق و تأثیرگذار است و آثار پیام آنها قابل رؤیت خواهد بود.

کاربرد الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان قاضی و متهم یکسان نیست و آنها تعابیر مختلفی از کلمات و ابزارها دارند. فاصله اجتماعی برحسب منزلت اجتماعی و رسمیت

بافت موقعیتی مشخص می‌شود، مثلاً افراد با وضعیت و جایگاه اجتماعی بالا بیشتر از جملات امری استفاده می‌کنند. موقعیت اجتماعی منبعی برای قدرت اجتماعی و سیاسی است و ارزش‌های فردی، اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی در جامعه به صورت متفاوت بازنمایی می‌شود. ارتباطات مؤثر موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود، این در حالی است که ارتباطات غیرمؤثر مانع شکوفایی و حتی ابزاری برای سلب آسایش و آرامش روان انسان است. به صراحت می‌توان گفت که یکی از موارد اساسی خوش‌بختی انسان ارتباطات بین‌فردی اوست. در مطالعه و بحث قدرت در گفتمان حقوقی به دنبال یافتن ابعاد مختلف هویت و شدت و ضعف معیارهای مرتبط با آن و تأثیرپذیری از عناصر دیگر بودیم. در پاسخ می‌توان گفت که فاصله اجتماعی، سن، جنسیت، قومیت، مذهب و انواع شبکه‌های اجتماعی ابعاد مختلفی از هویت هستند. اعضای یک گروه اجتماعی از طریق برقراری ارتباط می‌توانند اندیشه‌ها و میراث فرهنگی خود را گسترش دهند و برای حفظ آن بکوشند. زبان عامیانه یا (slang) برای پایهریزی هویت اجتماعی است که بین دوستان صمیمی و درون گروه انجام می‌شود که از زبان ممنوعه (taboo) استفاده می‌کند تا در این نوع گفتمان شخصیت و هویت اجتماعی خود را نشان دهد و ارتباطات قدرت را رد کند. این امر بیشتر برای کم کردن فاصله اجتماعی بین گویشوران کاربرد دارد و نوعی زبان گروهی (language community/group) است. در این نوع زبانی از هنجارهای اجتماعی تخطی می‌کنند و دارای هنجارهای درون‌گروهی (in-group) می‌شوند تا بتوانند به راحتی فرد خارج از گروه را شناسایی کنند. زمانی می‌توان فردی را اجتماعی نامید که از روابط اجتماعی، دلیل و ضرورت آن مطلع باشد، خود را با رعایت موازین اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه ملتزم بداند و ضمن اهمیت دادن به ارزش‌های اجتماعی و پایبندی به آنها بتواند مدافع ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای حاکم بر آن باشد (ایمانی، ۱۳۹۱: ۳). اگر نتوانیم یا نخواهیم منظور خود را با صراحت بیان نماییم طرف مقابل به اشتباه می‌افتد و به حدس و گمان متوسل می‌شود و از واقعیت دور می‌گردد. ابهام و بی‌صدافتی در ارتباطات انسانی سرمنشأ بسیاری از مسائل و مشکلات در ارتباطات فردی است. هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط فرد، با انواعی از انحرافات و مشکلات روبه‌روست. امروزه شبکه‌های اطلاعاتی و مجازی عملکرد ارتباطی انسان را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌است. رابطه فضای مجازی با زندگی فرهنگی، سبک زندگی و الگوی روابط میان فردی باعث پیدایش هویت‌های جدیدی شده‌است. تأثیر فرهنگ، جامعه و

سنت‌های پدید آمده از آن بر فضای مجازی و مناسبات و محتوای درون آن، و نیز، تأثیر فضای مجازی بر فرهنگ، انکارشدنی نیست. افراد از طبقه متوسط یا بالا رمزگان محدود دارند، تجربه آنها از زندگی کم است. بیشتر به سمت مسائل شخصی سوق داده می‌شوند و از تعاملات روزمره دور هستند. آنها نسبت به طایقات پایین‌تر جامعه تجارب اجتماعی اندک‌تری دارند زیرا از کودکی در بطن توده مردم کوچه و بازار رشد نکرده‌اند.

در مورد هر دو پرسش تحقیق باید گفت که هم قاضی و هم متهم از الگوهای توصیفی، تجویزی و آماری به طور متفاوت بهره می‌گیرند و میزان انحراف آنها از چنین هنجارهایی نیز با یکدیگر فرق می‌کند. افراد برحسب میزان روابط قدرت از گفتمان‌های مختلف استفاده می‌کنند تا هویت کسب کنند. صراحت و صادق بودن در گفتمان فرایندی است که در ارتباطات انسانی به شکل نامحسوس اما بسیار مؤثر نقش بازی می‌کند که دو طرف درگیر در ارتباط آن را حس می‌کنند. در این دو جلسه دفاعیه، در برخورد قاضی هیچ سوء رفتار یا انحراف از هنجارهای گفتمانی دیده نشد، قاضی با حفظ موقعیت اجتماعی خود قوانین و هنجارهای اجتماعی را رعایت کرد اما متهم در بخشی از پاره‌گفتار خود از قوانین سرپیچی کرد و از هنجارهای اجتماعی منحرف شد. با توجه به یافته‌های تحقیق، هر دو فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

پژوهش حاضر از دستاورد تحقیقات پیشینان در رسیدن به هدف سودجسته است. مسلم است که اساس جستار حاضر بر تحلیل دستوری و واژگانی و بر چارچوب زبان‌شناسی حقوقی استوار است. پس، با توجه به کثرت واژگان و ساختارهای زبان‌ها و گویش‌ها و لهجه‌های مختلف، راه برای تحقیقات بیشتر در آینده باز است و محققان می‌توانند با بررسی بیشتر در حوزه گفتمان حقوقی، به روابط واژگانی و ساختاری جدیدی پی برند و تحقیق نمایند.

منابع

- ایمانی، م. ۱۳۹۱. «جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند»، *مجله پیوند*: ۳۶۹-۳۷۱.
- حاتمی، ج.، حاتمی، ا. ۱۳۹۱. «فرایندهای یک مفهوم: بررسی تأثیرات احتمالی علم، فناوری و سبک زندگی جدید بر تغییر مفهوم خود(خویشستن)»، *رویش روان‌شناسی*، (۳): ۱-۳.
- فرکلاف، ن. ۱۳۷۹. *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مدرسی، ی. ۱۳۶۸. *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- محسنی، م. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*، تهران: نشر دیدار.
- محسنی، ح.، رضایی‌نژاد، ه. ۱۳۹۱. «دادگستری و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات»، *مجله مطالعات حقوقی*، ۴(۲): ۱۱۷-۱۴۲.
- مک لافین، ج. ۱۳۸۹. *زبان و نظریه‌های اجتماعی و سیاسی*، ترجمه ج. مشیرزاده، تهران: شیرازه.
- مؤمنی، ن. ۱۳۸۹. «زبان‌شناسی قانونی: بررسی شهادت در دادگاه با توجه به ویژگی‌های زبانی»، *مجله کارآگاه*، ۲(۳): ۱۰: ۶۰-۸۳.
- نوروزی، ن. ۱۳۸۶. *تفہیم اتهام در مقررات کیفری ایران، دانش انتظامی*، ۹(۳): ۱۶۸-۱۷۹.
- یول، ج. ۱۳۸۷. *کاربردشناسی زبان*، ترجمه م. عموزاده مهدیرجی و ه. توانگر، تهران: سمت.
- Hargie, O.S., & Dickson, D. 2004. "Skilled interpersonal communication: Research theory and practice". New York: Routledge.
- Hymes, D. 1972. "Foundations in sociolinguistics: An ethnographic approach." Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Lara, L.F. 1976. "El concepto de norma en linguística." El Colegio de Mexico, Mexico, D.F.
- McMenamin, G. 2002. "Forensic linguistics: Advances in forensic stylistics." London: CRC Press.
- Stern, H. H. 1983. "Fundamental concepts of language teaching." Oxford: Oxford University Press.



Analyzing Linguistic and Stylistic Patterns of Forensic Discourse in Revolution Courts

Farangis Abbaszadeh¹

Bahman Gorjian^{2*}

Elkhas Veysi³

Received: 2019/10/21

Accepted: 2021/03/06

Abstract

This study investigated the changes and deviations from linguistic and stylistic patterns of forensic discourse in Revolution Courts of the Islamic Republic of Iran. The research problem focused on the frequency and the percentage of verbal deviations in judges' and the defendants' speech. The research tool was McMenamin's (2002) linguistic and stylistic framework concerning the standard, prescriptive, and descriptive norms and the deviations from these norms in both judges' and defendants' speech. Data were collected through observing 45 court sessions among them 15 sessions were randomly selected based on systematic sampling method. The data were analyzed statistically through descriptive statistics. Data were divided into three categories of verbal norms: standard speech, changes of standard speech, and deviations from the norms. Findings indicated that using the standard and non-standard words have vital role in the defendants' speech. While the judges followed standard norms, the defendants changed or deviated from the norms more significantly than the judges did. The findings of the study suggest that analyzing court speeches can lead to the study of judges and defendants' linguistic and stylistic patterns correlated to their use of discourse.

Keywords: Forensic linguistics, Discourse markers, Style, Speech

1. Ph.D of General Linguistics, Islamic Azad University, Abadan, Iran.

2. Associate Profesor of Applied Linguistics, Department of General Linguistics, Islamic Azad University, Abadan, Iran. (Corresponding Author)

* Email: b.gorjian@iauabadan.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Linguistics, Payam-e Noor University, Ahvaz, Iran.

1. Introduction

Verbal and stylistic markers regulate interpersonal relationships (Hargie & Dickson, 2004) and the majority of members within the society adhere to it. According to McMnamin (2002), the patterns of discourse in the court are categorized into three linguistic and stylistic markers including prescriptive, descriptive and statistical norms. These indicators may be violated or performed by judges and defendants in Revolution Courts in Iran. For example, the sentence *lofan haqiqat ra be dâdgâ begin*. 'Please, tell the truth to the court' is considered as standard norm in terms of prescriptive speech style. With respect statistical patterns in the court, up to 85 or 90 percent of speech frequency can be observed in the judges' speech. If the sentence *haqiqat râ begin*. 'tell the truth!' is changed or deviated from *benâl* 'confess!' from the standard norm, it can be assumed that two categories from the standard pattern. If the sentence is changed, the style is informally descriptive. In the sentence, "He beating Mary." the speaker may violate linguistic markers and deviate from the standard norm of "He is beating Mary." The use of "He's beating Mary" could be the change in the standard norm. Deviation from discourse norms is considered prescriptively because it is ungrammatical in the court environment. On the other hand, it is odd the judge says the violated word or sentence with a low percentage (below 5%). The effect of stylistic markers on the observance of verbal norms and deviation from these rules and principles is the goal of this study. The present research also intends to examine judges' and defendants' discourse regarding observing, changing or deviating from prescriptive, descriptive and statistical norms. Comparing the frequency of these changes and deviations (Momeni, 2010) can show the practical nature of discourse in Iranian Revolution Courts (Biabani & Hadianfar, 2005).

2. Theoretical framework

The aim of this study is to investigate judges' and defendants' linguistic and stylistic markers with regard to changing or deviating from speech norms in the Islamic Revolution Courts following McMnamin's (2002) approach. He introduces three verbal patterns including prescriptive, descriptive and statistical norms in terms of standard, variation (i.e., changing) or deviation (i.e., ungrammaticality) and their sub-categories. For example, the phrase "Water am drinking." is considered as a standard variation in terms of observing prescriptive norm. But the statement,"

Water I'm drinking. "can be a change in the norm; however, it is understandable. If the sentence is not comprehensible linguistically (e.g., *drink my water*), it is regarded as the violation in the speech norms.

3. Methodology

The research design of the present study is based on descriptive method and the corpus was 45 sessions in Revolution Courts. The video files were randomly selected among the pool of data that were broadcasted on TV or on the Internet. Two experts in linguistics for the sake of reliability and validity indices prescribed recorded videos. These trials included the outstanding court sessions that are recently performed in Iran. They are the trial of Akbar Tabari (former executive deputy of the Judiciary for receiving bribes), Fazel Khodadad (economic accusation and the embezzler of 123 billion Tomans), Babak Zanjani (embezzlement), Gholamhossein Karbaschi (the former mayor of Tehran accused for embezzlement), etc. For validity of identifying and analyzing the types of discourse patterns and verbal and stylistic markers in judges' and defendants' conversations, two linguists matched the sentences with a video file with 95% validity. There was an agreement on how to implement and identify linguistic and stylistic markers in judges' and defendants' speech. Finally, 2230 sentences of the judges and 2270 sentences of the defendants were analyzed. Descriptive and inferential statistics including means, percentage, frequency, and independent samples t-test were implemented.

4. Results & Discussion

Findings revealed the judges observed descriptive norms more than the defendants concerned with the prescriptive norms. Results indicated that the judges used more socially accepted descriptive patterns. Defendants tried to maintain their social status by using standard language or close to it. The judges frequently asked the defendants through standard linguistic and stylistic norms but the defendants violated or changed the standard norms. For instance, the judge asked, *če rā ân âqâ be šomâ yek âpârtmân čand milyuni dâd?* 'Why did that person give you a multi-billion apartment?' Mr. Tabari as the defendant replies; *čon man ro dus dâšt. šomâ dus nadârid?* 'Because this gentleman loved me. Don't you like it?' This can be regarded as the deviation in stylistic norms in terms of power because the defendants thought he was in a position to ask questions in the court. He did not follow the standard speech and continued, *če bâjad man bekonam? in barâ dostiye.*

‘What should I do? That’s due to Friendship.’ The defendants’ speech was full of deviations in descriptive norms. Here, Tabari compared himself with the judge and stated that he had friends who could give him the whole Lavasan property as a gift. This power is completely diminished in front of the judge when the judge did not say anything, made a sarcastic smile and only said *čera?* ‘why?’ which indicated the deviation from the standard norm in prescriptive pattern. This can be seen in the words of most of the defendants who believe that they can justify themselves with money, bribes, and so on.

5. Conclusion and Suggestions

The results showed that the use of linguistic and stylistic markers play a decisive role in judges’ and defendants’ individual and social status. Considering power in legal discourse, we studied different dimensions of standard, changes and deviations from the speech norms among the judges and defendants. Members of a social group can expand their ideas and cultural heritage through communication and attempt to preserve it. The defendants used more changed and violated instances than the judges did. Further research is needed to uncover the changes and violations from the lawyers’ speech or interrogators in the courts. Implications of the study for forensic researchers and the students of law could be beneficial. Training centers for judges and lawyers can use linguistic and stylistic markers affecting their speech in Revolution Courts.

Select Bibliography

- Biabani, Gh., & Hadianfar, S, K. 2005. *Descriptive dictionary of criminal sciences*. Tehran: Tavit Publication. [In Persian].
- Hargie, O. S., & Dickson, D. 2004. *Skilled interpersonal communication: Research theory and practice*. New York: Routledge.
- McMenamin, G. 2002. *Forensic linguistics: Advances in forensic stylistics*. London: CRC Press.
- Momeni, N. 2010. Forensic linguistics: the study of testimony in court according to linguistic characteristics. *Detective Magazine*, 3 (10), 60–83. [In Persian].